

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی یزدی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال سیزدهم ۹۶ - ۱۳۹۵

جلسه ۲۲ - یکشنبه ۹۵/۸/۱۶

ادله‌ی سه‌گانه‌ی محقق نائینی رحمته‌الله بر لزوم تقدیم اطلاق شمولی بر اطلاق بدلی

دلیل اول محقق نائینی رحمته‌الله

محقق نائینی رحمته‌الله فرموده‌اند^۱ اگر کسی این دو اطلاق را ملاحظه کند، خواهد دانست که اگر اطلاق بدلی را مقدم بدارد باید نوعی تصرف در اطلاق شمولی کند و از محدوده‌ی اصل حکم بکاهد؛ ولی اگر عکس این کار را انجام دهد یعنی اطلاق شمولی را مقدم بدارد، چیزی از مفاد اطلاق بدلی کاسته نمی‌شود، بلکه فقط از سعه‌ی دایره‌ی تطبیق آن کاسته می‌شود.

توضیح بیشتر: مولایی فرموده است «لا تکرّم الفاسق» و همچنین فرموده: «اکرم عالماً» و فرضاً سی شخص فاسق وجود دارد. اگر بنخواهیم با «اکرم عالماً» آن اطلاق شمولی را تقیید کنیم، به واسطه‌ی مقدم داشتن «اکرم عالماً» حداقل یک فرد از «لا تکرّم الفاسق» که همان شخص عالم فاسق است (و گاهی ممکن است بیشتر هم باشد) از لحاظ کمی کاسته می‌شود و حکم او از اساس منتفی می‌شود. ولی اگر عکس این کار انجام شود و «لا تکرّم الفاسق» را که اطلاق شمولی است بر «اکرم عالماً» که اطلاق بدلی است مقدم داشتیم، هیچ اتفاقی نمی‌افتد و از محدوده‌ی «اکرم عالماً» کاسته نمی‌شود؛ زیرا معنای «اکرم عالماً» این بود که عالمی را اکرام کن، با کنار نهادن همه‌ی فساق همچنان می‌توان عالمی یافت که که فاسق نیست و او را

۱. أجدود التقریرات، ج ۱، ص ۱۶۱:

(و التحقيق) ان ما ذهب إليه المحقق الأنصاری (قده) من تقديم الإطلاق الشمولي على الإطلاق البدلي هو الأقوى فان تقديم الإطلاق البدلي يقتضى رفع اليد عن الإطلاق الشمولي فى بعض مدلوله و هى حرمة إكرام العالم الفاسق فى مفروض المثال بخلاف تقديم الإطلاق الشمولي فانه لا يقتضى رفع اليد عن مدلول الإطلاق البدلي أصلاً فان المفروض انه الواحد على البدل و هو محفوظ لا محالة غاية الأمر ان دائرته كانت واسعة فصارت ضيقة.

اکرام کرد، پس اصل حکم اطلاق بدلی باقی خواهد بود.

إن قلت: به هر حال از سعی تطبیق کاسته می‌شود؛ به این معنا که اگر اطلاق شمولی را مقدم بدانیم مکلف نمی‌تواند حکم اطلاق بدلی را بر عالم فاسق تطبیق کند.

قلت: این کار تضییقی در محدوده‌ی حکم اطلاق بدلی (اکرم عالمماً) نیست، بلکه این لازمه‌ای است که مشکلی ایجاد نمی‌کند و به هر حال بعد از آن «اکرم عالمماً» به قوت خودش باقی است و بالجمله اینکه دایره‌ی تطبیق کوچک می‌شود به معنای این نیست که محدودیتی در اصل «اکرم عالمماً» ایجاد شده است.

نقد و بررسی دلیل اول محقق نائینی رحمته الله

اینکه تعارض بدوی را به نفع اطلاق شمولی با یک استحسان و وجه اعتباری حل کردند، بیان تامی نیست؛ این وجه اعتباری باید یا به دلیل لفظی برگردد یا به دلیل لَبّی بازگردد. فرض این است که دلیل لفظی موجود نیست، دلیل لَبّی نیز قطع آور نیست و فقط یک استحسان است که اگر اطلاق شمولی را مقدم بدانیم محدوده‌ی حکم اطلاق بدلی دچار تغییر نمی‌شود، نهایتاً دایره‌اش ضیق می‌شود؛ به خلاف اطلاق بدلی که اگر مقدم شود محدوده‌ی حکم اطلاق شمولی کوچک می‌شود. مگر چه مانعی دارد محدوده‌ی حکم اطلاق شمولی کوچک شود و بعضی افراد از شمول حکم خارج شوند؟!

علاوه بر آن، اطلاق بدلی نیز دایره‌اش کاسته می‌شود اما از حیث دیگر؛ از این حیث که اطلاق بدلی به این معناست که مکلف ترخیص دارد آن را بر عالم فاسق یا بر عالم عادل و... تطبیق کند و این اطلاق در تطبیق، در صورت مقدم داشتن اطلاق شمولی کاسته می‌شود و محدودیت در آن ایجاد می‌شود و فرقی نمی‌کند این تضییق در تطبیق یا تضییق در اصل حکم باشد. در هر حال اطلاق بدلی از حیث سعی تطبیق در مقام بیان بوده و این حیث تطبیق، با حیث شمولی در اطلاق شمولی درگیر است، لامحاله هر دو با تکافؤ تساقط می‌کنند و نمی‌توان گفت اطلاق شمولی مقدم بر اطلاق بدلی است.

دلیل دوم محقق نائینی رحمته الله

بنابر نقل تلامیذ بزرگوار محقق نائینی رحمته الله ایشان در بیان دوم خود فرموده‌اند^۱ که اطلاق بدلی با اطلاق

۱. أجدد التقریرات، ج ۱، ص ۱۶۲:

و بیان آخر یحتاج الإطلاق البدلی زائداً علی کون المولی فی مقام البیان و عدم نصب القرینة علی الخلاف إلی إحراز تساوی الافراد فی الوفاء بالعرض حتی یحکم العقل بالتخییر بخلاف الإطلاق الشمولی فانه لا یحتاج إلی أزید من ورود النهی علی الطبیعة غیر المقیة فیسری

شمولی یک تفاوت اساسی دارد و آن این است که در اطلاق شمولی، همان مقدمات حکمت کافی است؛ یعنی اگر مولا مقسم را آورده باشد و در مقام بیان باشد و قیدی نیاورده باشد، کافی است. اما در اطلاق بدلی باید احراز شود که تمام افراد مطلق در وفای به غرض مولا مساوی هستند، آنگاه عقل حکم به تخییر کند. یعنی وقتی مولا می‌فرماید: «اکرم عالماً» علاوه بر اینکه باید مقدمات حکمت به حسب معمول تمام باشد، مخاطب باید احراز کند که این عالم، آن عالم و... در مقام وفای به غرض مولا متساوی هستند؛ زیرا اگر متساوی نباشند، قبیح است مولا حکم به تخییر کند؛ زیرا یکی بیشتر نمی‌خواهد و همان یکی که وفای به غرض او است باید انتخاب شود. به خلاف اینکه اطلاق، شمولی باشد؛ زیرا مولا دستور داده است همه را اکرام کن هر چند متساوی نباشند و یکی مزیتی داشته باشد. لذا هم ذی‌المزیه اکرام می‌شود و هم غیر ذی‌المزیه، به خلاف اطلاق بدلی که تنها یک فرد اکرام می‌شود. لذا اگر در امثال «اکرم عالماً» فرد غیر ذی‌المزیه که مساوی با بقیه‌ی افراد نیست آورده شود و بگوییم مجزی است، قبیح است. در نتیجه با «لا تکرّم الفاسق» ولو منفصلاً، این مقدمه از ما گرفته می‌شود؛ یعنی نمی‌توانیم بگوییم تمام علماء در وفای به غرض مولی متساوی الاقدام هستند، بلکه اکرام عالمی که فاسق است، به خاطر اطلاق شمولی مرجوح و ممنوع است و احراز نمی‌شود که مثل بقیه‌ی افراد است، پس باید اطلاق شمولی را مقدم بداریم و اطلاق بدلی را مقید به غیر مفاد اطلاق شمولی کنیم. البته تقیید در مراد جدی است نه در ظهور استعمالی؛ زیرا فرض کردیم که دو دلیل منفصل است.

نقد و بررسی دلیل دوم محقق نائینی رحمته الله

درست است که باید تمام افراد در اطلاق بدلی، وفای به غرض مولا و متساوی الاقدام باشد، ولی غرض و ملاکی که مورد نظر مولاست از کجا به دست بیاوریم؟ از کجا به دست آوریم که در وفای به غرض مولا افراد مساوی هستند یا مساوی نیستند؟ فرض این است که ما نمی‌خواهیم علمی که از خارج به دست می‌آوریم دخالت دهیم. آری، اگر در جایی از بیرون علمی داشتید که می‌خواستید دخالت دهید، به

الحکم إلى الأفراد فهرا فمع وجود الإطلاق الشمولی لا یحرز العقل تساوی الافراد من حیث الوفاء بالعرض فیکون الإطلاق الشمولی حاکماً علی الإطلاق البدلی من حیث دلیلیته و حجیته و ان کان ظهوره منعقداً فی حد نفسه لفرض کون القرینة منفصلة.
 ✓ همان، ج ۲، ص ۵۱۳:

و یلحق بهذا القسم ما إذا کان التعارض بین العموم الشمولی و البدلی و لو کان کلاهما بالإطلاق فان المطلق الشمولی یتقدم علی المطلق البدلی فان التخییر بین افراد المطلق البدلی یتوقف علی کون الافراد متساویة الأقدام فی الدخول تحته و لا ریب ان شمول المطلق الشمولی له ینخرجه عن التساوی مع بقية الأفراد فیختص المطلق البدلی بغيره (وقد) بینا توضیح ذلك فی بحث الواجب المشروط فراجع.

جای خود محفوظ است و طبق علم خارجی عمل می‌کردید، ولی بحث در این مورد است که ما هستیم و فقط دلیل لفظی «اکرم عالماً» و «لا تکرّم الفاسق». نفس «اکرم عالماً» به عنوان صرف الوجود بیان می‌کند ملاک در وفای به غرض مولا، علم است و لیس الا، و متکفل بیانش هم خود مولاست که با کلامش گفت «اکرم عالماً». لهذا می‌گوییم به حسب اطلاق بدلی، اکرام هر فردی از عالم، وافی به غرض مولاست و مکلف می‌تواند تکلیف را در ضمن هر فردی انجام بدهد. از طرف دیگر «لا تکرّم الفاسق» بیان می‌کند که فاسق نباید اکرام شود و اکرام عالم فاسق حرام است. لذا این دو با همدیگر تعارض دارند.

اینکه فرمودند علاوه بر مقدمات حکمت باید احراز بشود که همه‌ی افراد در وفای به غرض مولا متساوی الاقدام هستند، اگر به معنای صحیحش در نظر گرفته شود در همه‌ی اطلاقات موجود است و شرط اضافه‌ای نیست؛ یعنی همه‌ی اطلاقات این ملاک را دارند، چه شمولی باشد و چه بدلی. اما اگر به معنای دیگری نظر شده باشد و بخواهند این معنا را در خصوص اطلاق بدلی ادراج کنند، این مقدمه بی‌وجه است. محقق نائینی رحمته الله در بحث مطلق و مقید، اطلاق را به اطلاق بدلی و شمولی تقسیم فرمودند ولی نگفتند در استفاده‌ی اطلاق از کلام، اطلاق بدلی با اطلاق شمولی فرق می‌کند و نیاز به مقدمه‌ی دیگری دارد، این آیت آن است که در ارتکاز ایشان هم چنین معنایی نبوده است. بنابراین معلوم می‌شود این فرمایش محقق نائینی رحمته الله هم علی‌رغم عظمت مقامی که دارند، قابل التزام نبوده و وجه درستی نیست.

دلیل سوم محقق نائینی رحمته الله

بیان سوم ایشان^۱ نیز در واقع به بیان قبلی باز می‌گردد. ایشان فرموده است:

حجیت اطلاق بدلی، متوقف بر عدم مانع در بعض افراد از تخییر عقلی است؛ یعنی اطلاق بدلی وقتی می‌تواند مفید تخییر نسبت به هر فرد باشد (تخییر عقلی) که مانعی نداشته باشد و فرض این است که اطلاق شمولی، صالح برای مانعیت است؛ چون اطلاق شمولی می‌گوید «لا تکرّم الفاسق» و مانع ایجاد کرده است.

إن قلت: این مانعیت اطلاق شمولی را با همان اطلاق بدلی برمی‌داریم.

قلت: این کار، دور است؛ زیرا اطلاق بدلی آن وقتی می‌تواند مفید تخییر باشد که مانع نداشته باشد و

۱. أجدد التقریرات، ج ۱، ص ۱۶۲:

و بالجملة تتوقف حجیة الإطلاق البدلی علی عدم المانع فی بعض الأطراف عن التخییر العقلی و الإطلاق الشمولی صالح للمانع فلو توقف عدم صلاحیته للمانع علی وجود الإطلاق البدلی لدار.

مانعش اطلاق شمولی است. اگر این مانعیت را با همان اطلاق بدلی برداریم، یعنی اطلاق بدلی متوقف بر اطلاق بدلی می‌شود و این دور است.

نقد و بررسی دلیل سوم محقق نائینی رحمته الله علیه

نه تنها اطلاق بدلی افاده‌اش نسبت به تخییر و مفادش متوقف بر عدم مانع است، بلکه هر دلالتی متوقف بر عدم مانع است، از جمله اطلاق شمولی. اطلاق شمولی هم اگر بخواهد مفید شمول و استیعاب نسبت به هر فرد باشد، متوقف است بر اینکه مانعی نداشته باشد و اطلاق بدلی صلاحیت مانعیت را دارد و اگر شما بخواهید با اطلاق شمولی صلاحیت اطلاق بدلی را برای مانعیت بردارید دور می‌شود. و بالجمله ما دو اطلاق داریم، هر دو اطلاق در صورتی که مانع نداشته باشند حجت است و هر یک از دو اطلاق می‌تواند مانع دیگری باشد؛ اطلاق بدلی می‌تواند مانع اطلاق شمولی باشد و اطلاق شمولی می‌تواند مانع اطلاق بدلی باشد. و لهذا باید گفت وجه سوم نیز چیزی نیست که قابل اعتماد باشد.

بنابراین هیچ‌کدام از وجوهی که محقق نائینی رحمته الله علیه برای ترجیح گفتند درست نیست

عدم تعارض اطلاق بدلی و اطلاق شمولی در ارتکاز عرفی

آیا واقعاً اطلاق بدلی و اطلاق شمولی با یکدیگر می‌جنگند و تعارض مستقر می‌شود؟

اگر مولا به ما فرمود «اکرم عالماً» و بعد هم فرمود «لا تکرّم الفاسق»، آیا ما نسبت به عالم فاسق حیران می‌شویم و تعارض مستقر است یا اینکه به حسب ارتکاز عرفی می‌فهمیم که مولا نمی‌خواسته «اکرم عالماً» در ضمن هر فردی ولو در ضمن عالم فاسق، امثال شود؟ در نتیجه بعید نیست ارتکاز همگان این باشد که «لا تکرّم الفاسق» یعنی اطلاق شمولی، مقدم باشد و «اکرم عالماً» مقید به غیر فاسق می‌شود. در واقع انسان با ذهن عرفی خود احساس می‌کند که وقتی مولا فرمود «اکرم عالماً» این مطلب را می‌خواهد بیان کند که من نمی‌خواهم تو را در مشقت بیندازم، در نتیجه می‌توانی هر عالمی را که خواستی اکرامش نمایی و از این حیث یعنی از حیث تسهیل بر مکلفین، در مقام بیان است. آری، اصل اینکه باید عالمی اکرام بشود به جد بیان می‌کند، اما از حیث تطبیقش بر هر فردی در مقام سهل‌گیری بر مخاطب و آسان بودن تکلیف به این اکرام است؛ به خلاف اطلاق شمولی (لا تکرّم الفاسق) که می‌گوید این طبیعت هر جا باشد پلید است و نباید او را اکرام کرد، هر کجا باشد حتی اگر در ضمن عالم باشد. و لذا «اکرم عالماً» نمی‌تواند با این اطلاق درگیر شود، لامحاله این‌ها تعارض مستقر ندارند.

مقرر: سيد حامد طاهري

ويرايش و استخراج منابع: محمد عبدالهي